

39676 - حکم درود فرستادن بر پیامبر. صلی الله علیه وسلم. در تشهد نماز

سوال

امام در نماز تراویح خیلی سریع سلام می گوید و نماز را به پایان می رساند و فرصت تنها برای گفتن تشهد هست و پیش از آن که تشهد دوم (درود ابراهیمی) را بگویم سلام نماز را می گوید. آیا درست است که نماز را همین جا به پایان برسانم یا آن که گفتن تشهد ابراهیمی الزامی است؟

پاسخ مفصل

اولاً:

علما درباره حکم درود بر پیامبر. صلی الله علیه وسلم. در تشهد در نماز بر چند قول اند. برخی آن را رکن نماز دانسته اند که نماز بدون آن صحیح نیست و برخی آن را واجب دانسته اند و برخی دیگر مستحبش دانسته اند نه واجب.

شیخ محمد بن صالح العثیمین. رحمه الله. قول سوم را برگزیده و در شرح **«زاد المستقنع»** می گوید:

«درود بر پیامبر. صلی الله علیه وسلم. یعنی در تشهد پایانی که رکن دوازدهم از ارکان نماز است.

دلیلش این است که صحابه از پیامبر. صلی الله علیه وسلم. پرسیدند: ای رسول خدا، دانستیم که چگونه بر شما سلام فرستیم، اما چگونه بر شما درود بفرستیم؟ فرمود: بگوید: **«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ»** امر نیز مقتضی وجوب است و اصل در وجوب آن است که فرض است و اگر ترک شود عبادت باطل می شود. فقها. رحمهم الله. دلیل این مسئله را چنین تقریر کرده اند.

اما اگر در این حدیث تامل کنی از آن چنین برداشت نمی شود که درود بر پیامبر. صلی الله علیه وسلم. رکن است؛ زیرا صحابه درباره کیفیت پرسیدند که چگونه درود بفرستیم؟ پس پیامبر. صلی الله علیه وسلم. آنان را راهنمایی فرمودند، برای همین می گوئیم: امر در این سخن پیامبر. صلی الله علیه وسلم. که **«بگوئید...»** دال بر وجوب نیست بلکه از روی ارشاد و آموزش است. بنابراین اگر دلیل جز این باشد که پیامبر. صلی الله علیه وسلم. امر به درود بر ایشان در نماز کرده باشد به آن استناد می شود و اگر دلیل جز این نباشد، باید دانست که این دال بر وجوب نیست چه رسد به آن که دال بر رکن بودنش باشد؛ برای همین علما درباره این مسئله بر چند قول هستند: قول نخست: این درود رکن است و این قول مشهور از مذهب [امام احمد] است و نماز بدون آن صحیح نیست.

قول دوم: واجب است اما رکن نیست و در صورت فراموشی با سجده سهو جبران می شود.

آنان گفته اند: سخن پیامبر. صلی الله علیه وسلم. که «بگوئید: اللهم صل علی محمد...» احتمال دارد از روی ایجاب باشد و احتمال دارد که از روی ارشاد باشد و با وجود احتمال نمی توان آن را رکنی دانست که نماز بدون آن صحیح نباشد.

قول سوم: درود بر پیامبر. صلی الله علیه وسلم. سنت است، و واجب و رکن نیست و این روایتی از امام احمد است و اگر انسان به عمد آن را ترک کند نمازش صحیح است؛ زیرا ادله ای که کسانی که آن را واجب می دانند به آن استناد کرده اند و آن را رکن دانسته اند به شکل آشکار دال بر مذهبشان نیست و اصل بر براءة ذمه است.

این قول. در صورتی که دلیلی جز این دلیل که فقها رحمهم الله به آن استناد کرده اند وجود نداشته باشد. قول راجح تر است زیرا نمی توانیم عبادت را باطل و فاسد بدانیم آن هم با استناد به یک دلیل که احتمال دارد منظور از آن ایجاب باشد یا ارشاد» (الشرح الممتع: ۳/ ۳۱۰ - ۳۱۲).

بر این اساس نماز بدون آن صحیح است.

ثانیا:

شایسته است این امام و دیگر امامانی را که نماز تراویح را به شکل مفرط سریع می خوانند و اجازه نمی دهند کسانی که به آنان اقتدا کرده اند نمازشان را کامل ادا کنند را نصیحت کرد.

علما به شکل صریح گفته اند که شایسته است امام در نمازش تأنی و آرامش داشته باشد تا آن که مردم بتوانند واجبات و برخی از مستحبات را انجام دهند و مکروه است که آن قدر سریع نماز را ادا کند که مردم نتوانند آن را انجام دهند.

امام نووی می گوید:

«معنای احادیث این باب واضح است. یعنی احادیثی که در آن امام امر به تخفیف شده است. و آن امر امام به تخفیف نماز است به شکلی که در سنتها و مقاصد نماز اخلال نشود».

در «الموسوعة الفقهية» (۲۴۳/۱۴) آمده است:

«منظور از تخفیف یعنی آن که به حداقل کمال اکتفا شود و واجبات و سنتها ادا شود و به حداقل اکتفا نکند و کامل ترین را هم انجام ندهد.

ابن عبدالبر می گوید:

«تخفیف [و کوتاه کردن نماز] برای هر امامی مورد اجماع است و نزد علما مستحب است، اما این تخفیف حداقل کمال است (یعنی نماز باید به اندازه حداقل کمال باشد) اما حذف و نقصان، خیر...» سپس می گوید:
«در میان علما درباره استحباب تخفیف برای کسی که گروهی را امامت می کند اختلافی نیافته ام اما بر اساس شرط ما یعنی کامل ادا کردن.»

ابن قدامه (المغنی: ۱/۳۲۳) می گوید:

«مستحب است که امام قرائت و تسبیح و تشهد را مرتل [و شمرده شمرده] بگوید طوری که گمان کند کسانی که پشت سر او نماز می گزارند از جمله آنانی که زبانشان سنگین است آن را خوانده اند و رکوع و سجودش را طوری انجام دهد که مطمئن شود بزرگ و کوچک و آنانی که کند هستند انجامش داده اند. اما اگر چنین نکرد و به اندازه ای که بر او واجب است انجام داد کارش مکروه است اما از عهده اش انجام گرفته.»

در «الموسوعة الفقهية» (۶/۲۱۳) آمده است:

«عجله مکروه است، به طوری که نمازگزاران نتوانند آن چه را برایشان مستحب است انجام دهند، مانند سه بار گفتن تسبیح در رکوع و سجود و انجام آن چه در تشهد پایانی مستحب است.»

شیخ ابن عثیمین . رحمه الله . در «رسالة في أحكام الصيام والزكاة والتراويح» می گوید:

«اما کاری که برخی از مردم انجام می دهند و با سرعت مفرط نماز می گذارند خلاف مشروع است و چه بسا با اخلال در یک واجب یا رکن به بطلان نماز بینجامد.»

بسیاری از امامان در نماز تراویح تانی و آرامش ندارند و این خطایی از سوی آنان است زیرا امام تنها برای خودش نماز نمی گزارد برای خود و دیگری امامت می کند پس مانند ولی است که باید کار بهتر را انجام دهد و اهل علم بیان کرده اند که برای امام مکروه است چنان سریع نماز بگذارد که مامومین از انجام آن چه واجب است باز بمانند.»

والله اعلم